

آرامگاه پیام آوران در ایران زمین

ویسپوبیش، سال ۱، شماره ۷

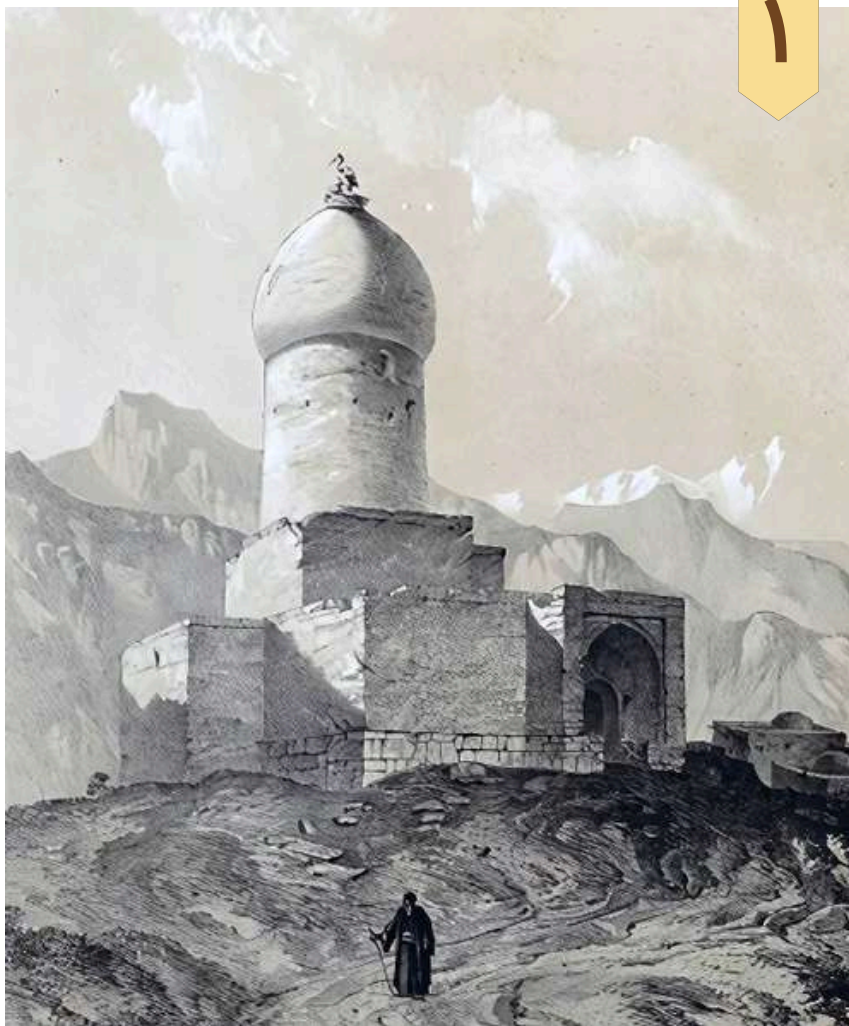
آرمان آرین



آرامگاهِ اِستِر و مُردِخای The Shrine of Mordechai and Esther

اِستِر (که همان ستاره به فارسی، Star به انگلیسی و ایشتار به بابلی است) دختری یهودی بود (تصویر ۲) که به واسطه‌ی پسرعموی بزرگش مُردِخای، به دربار هخامنشی راه یافت و به عنوان یکی از همسران سوگلی شاهنشاه (که به روایتی خشایارشا و به روایت دیگر اردشیر هخامنشی بوده) در قصر شوش (که پایتخت زمستانه‌ی هخامنشیان بود) خانه گزید.

ساخت گنبد آرامگاه «اِستِر و مُردِخای» در مرکز شهر همدان (تصویر ۱)، به سده‌های ۳ تا ۷ هجری منسوب ولی در دوران صفویان بازسازی شده است؛ گرچه مطابق با کتاب اِستِر در عهد عتیق، قدمت گورهای اصلی درون آرامگاه باید به سده‌ی پنجم پیش از میلاد (دوران خشایارشا، شاه یکم هخامنشی) بازگردد.



«بنای یادبود استر و مردخای در همدان»
اثر اوژن فلاندن - ۱۸۴۰



فرمان، ملکه وشتی (شهبانوی وقت) دیگر به حضور پادشاه شرفیاب نشود. آنگاه زن دیگری که بهتر از او باشد، بجای وی به عنوان ملکه انتخاب شود.» (۱-۲۰) «در شوش، یک یهودی به اسم مُردخای (از نوادگان قیس بنیامینی) زندگی می‌کرد که دخترعموی زیبایی داشت به نام هدسه (دختر اییحایل) که به او استر هم می‌گفتند. پدر و مادر استر مرده بودند و مُردخای او را به فرزندی پذیرفته و مثل دختر خود بزرگ کرده بود. وقتی فرمان خشایارشا صادر شد، استر نیز همراه دختران زیبای بی‌شمار دیگر به حرمسرای قصر شوش آورده شد. استر مورد لطف و توجه هیجای که مسئول حرمسرا بود، قرار گرفت.» (۲ - ۵ تا ۸)

پس استر شش ماه مورد نظارت تغذیه‌ای و آرایشی مسئولان حرمسرا قرار گرفت تا آنکه

گویند که نام یهودی او **هدسه** و نام ایرانی‌اش **سوسن** بوده است. نهایتاً او توانست نقش بسیار مهمی در دفع توطئه‌ی ضدّ یهود که می‌توانست به قتل‌عام اسرائیلیان در ایران منجر شود و زیر سر یکی از وزیران برجسته به نام هامان بود، بازی کند. یهودیان، همه ساله این واقعه را به نام «پوریم» جشن می‌گیرند و آرامگاه استر را به عنوان یکی از اماکن متبرکّهی خود ارج می‌نهند.

در عهدعتیق، کتاب استر، که یکی از کوتاه‌ترین بخش‌های کتاب مقدّس یهودیان و در ارتباط با ایران است، در این‌باره چنین آمده است:

«خشایارشا پادشاه پارس بر سرزمین پهناوری سلطنت می‌کرد که از هند تا حبشه را در برمی‌گرفت و شامل ۱۲۷ استان بود.» (۱-۱) او فرمانی صادر کرد که «بر طبق آن



«استر و خشایارشا»

اثر دانکن - ۱۸۹۰

که در قلمرو خشایارشا بودند، نابود کند.» پس قُرعه (که به آن پور می‌گفتند) انداخت و تاریخ قتل‌عام یهودیان را مشخص کرد: روز سیزدهم از ماه دوازدهم (معادل ۱۳ اسفندماه) در سال دوازدهم از شاهنشاهی خشایارشا. (۷-۳)

آنگاه وزیر بزرگ، یهودیان را یاغی نسبت به قوانین کشور نشان داد و پادشاه را راضی کرد که برای مصالح مملکت به کشتار آن قوم راضی شود. با پذیرش شاه، هامان نیز به همه استناداران و مقامات سراسر مملکت، مخفیانه ابلاغ کرد که در روز موعود باید همه یهودیان از پیر و جوان و زن و مرد، کشته شوند. (۱۳-۳) در این هنگام، مُردخای از ملکه استر (که خشایارشا نمی‌دانست او یهودی است) کمک خواست و به او گفت: «کسی چه می‌داند، شاید برای همین زمان، ملکه شده‌ای (تا همکیشان خود را نجات بخشی.)» (۴ - ۱۴)

استر نیز با اینکه این کار می‌توانست خطر مرگ خودش را در پی داشته باشد، نزد خشایارشا رفت و به او گفت که یهودی است و خواهان نجات قوم خویش است! پس خشایارشا فهمید که همه‌ی این نقشه‌ها از سوی هامان بوده است و او را مجازات کرد. (۷ - ۱۰) سپس املاک هامان را به ملکه استر داد و به مُردخای و یهودیان در سراسر کشور نیز عزت بخشید. یهودیان، آن روز را پوریم خواندند و بزرگ داشتند زیرا قرار بود روز قتل‌شان باشد اما بالعکس، روز اقتدارشان شد و از همان زمان به امر ملکه استر و مردخای، عید پوریم را جشن گرفتند. (۹ - ۳۲)

نوبت به او رسید (تصویر ۳).

آنگاه «او مطابق توصیه‌ی خواجه هیچای، خود را آراست. هر که استر را می‌دید، او را می‌ستود... به این ترتیب، در ماه دهم که ماه طبت باشد، در سال هفتم سلطنت خشایارشا... پادشاه تاج بر سر استر گذاشت و او را بجای وشتی ملکه ساخت.» (۲- ۱۶ و ۱۷)

«چندی بعد، خشایارشا به یکی از وزیران خود به نام هامان، پسر همداتای اجاجی (که از شاهان عمالیقی بودند و عمالیقی‌ها دشمن دیرینه‌ی قوم اسرائیل محسوب می‌شدند) ارتقاء مقام داده، او را رئیس وزیرای خود ساخت.» (۱-۳) «زمانی که هامان دریافت مُردخای یهودی است، تصمیم گرفت نه فقط او را بکشد، بلکه تمام یهودیانی را نیز



استر و مُردخای در همدان، هم‌اکنون

بطورمثال و از میان این نقدها می‌توان به دو مورد اشاره کرد: نخست اینکه در تومارهای یافته شده از حاشیه‌ی دریای مُرده (تومارهای بَحْرُ المِیّت) در میانه‌های قرن بیستم، فصول یا اسفار متعددی از کتاب عَهْدِ عَتِیق یافته شدند که همگی به جز کتاب استر با عهد عتیق کنونی تطابق داشتند و دوم آنکه در عهدجدید هم هیچ نقل‌قول یا اشاره‌ای به کتاب استر نشده است. (مقاله هامان و ادعای خطای تاریخی در قرآن - نویسندگان: محمدکاظم شاکر و محمدسعید فیاض - نشریه قرآن‌شناخت - بهار و تابستان ۱۳۸۹ - شماره ۵ - صص ۱۴۵ تا ۱۶۴)

سایت انجمن کلیمیان (یهودیان) تهران در این‌باره چنین نوشته است: «از میان مقابر منسوب به انبیاء بنی‌اسرائیل [در ایران]، چنین به نظر می‌رسد که تنها در چند مورد خاص می‌توان پذیرفت که آن مقابر، مدفن انبیا باشند. مُتَقَن‌ترین [این] موارد، مقبره‌ی دانیال در شوش است و بعد، مقبره‌ی مُردخای در همدان (تصاویر ۴-۵-۶) و [سرانجام] مقبره‌ی حبقوق در تویسرکان. در باقی موارد، اگر نگوییم که این انتسابات کاملاً مردود است، اما می‌توان گفت که سند و مدرک تاریخی

البته جشن پوریم و ماجرای استر، هم از نظر سیاسی و هم از منظر تاریخی و نژادی، دشمنان و منتقدان بسیار دارد. برخی آن را ماجرابی ضدّ ایرانی دانسته‌اند، گروهی به کل، مُنکرِ اصالتِ این داستان شده و آن را افسانه‌ای بی‌اساس و غیرتاریخی خوانده‌اند و عده‌ای هم به اشتباهاتِ فاحشِ تاریخی در روایت یهودیِ آن انگشت گذارده‌اند که نشان می‌دهد این کتاب، قرن‌ها بعد از تاریخ مورد نظر نوشته شده است.



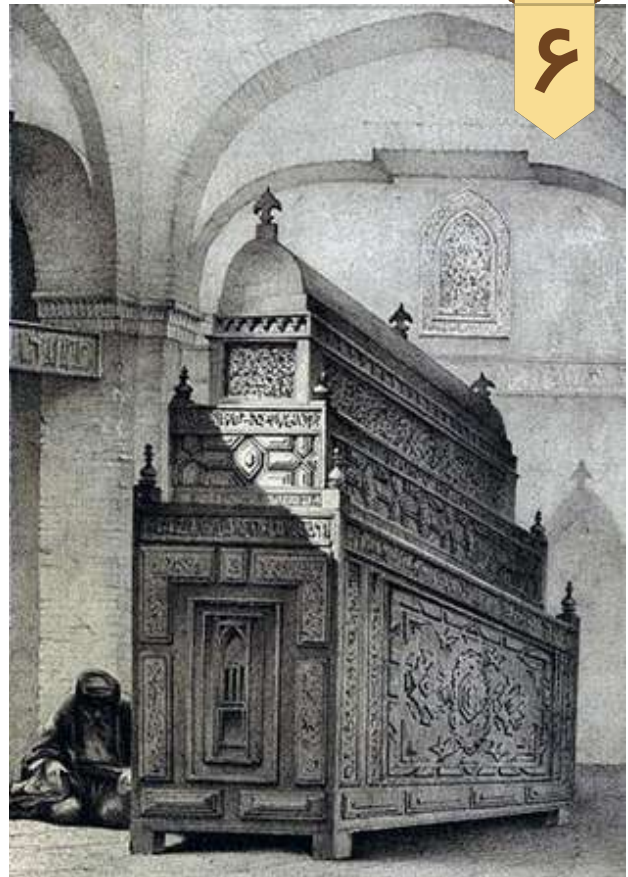
تابوت‌های چوبین استر و مردخای

۷



برای پذیرش آن [نیز] یافت نشده است. با این حال، این مقابر اگر مدفن پیامبران هم نباشند و تنها مقبره‌ی یکی از اولیا یا اوصیا باشند، باز به واسطه‌ی این انتساب، همواره برای پیروان ادیان آسمانی دارای ارزش و احترام هستند.) (مقاله‌ی بررسی مقابر منسوب به بنی‌اسرائیل در ایران - نوشته یاسمن غنی - پایان‌نامه کارشناسی دانشگاه بهشتی - شهریور ۹۹)

۶



همچنین فیلم‌های بسیاری از ماجرای کتابِ اِستر ساخته شده که از جمله می‌توان به «یک شب با پادشاه» One Night with the King ساخته‌ی مایکل سَجِبِل (۲۰۰۶)، آمریکا) اشاره کرد (تصویر ۷) که در شهر شوش باستان می‌گذرد و ماجرای اِستر و خشایارشا شاه هخامنشی را به تصویر می‌کشد.

ادامه دارد...

ضریح اِستر درون آرامگاه؛ اثر اوژن فلاندن
م ۱۸۴۰